

نگاهی نو به سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی از منظر باورهای دینی اساطیری و عناصر قدسی

بهناز پیامنی

عضو هیات علمی، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

عبدالکریم جرادات

عضو هیات علمی، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آل البیت

چکیده:

بررسی ساختار فرهنگی و آیینی جوامع، بخشی از دانش جامعه شناسی را تشکیل می‌دهد. سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی هم به عنوان بخشی از حافظه آیینی، فرهنگی و ادبی ما از این امر مستثنی نیست به طوری که به کمک این اثر ارزشمند می‌توان ساختار نظام فکری و آیینی فرهنگی مردم و میزان حضور اندیشه های دینی را در جوامع آن روزگار دریافت. ناصر خسرو در این اثر علاوه بر ارائه اشتراکات اعتقادی، فرهنگی و آیینی در تمدنها و سرزمین های کهن اسلامی، این اندیشه را مستحکم می‌سازد که در کنار باورهای اساطیری، اعتقادات تقدیس گری نیز وجود داشته که با ارزشگذاری بر بسیاری از عناصر طبیعی مانند چشمه ها، سنگ ها و درختان، مکانهای طبیعی مانند کوه، غار و مکانهای مقدس دست ساز بشر مثل مسجد، معبد، کلیسا، حریمهای مطهر، آرامگاه ها، قدمگاه ها و دربها و حصارها به عنوان نقطه اتصال به ماورا، تصویری روشن از يك جامعه دینی را منعکس می‌سازد. با توجه به گستردگی موضوع تقدس، در این پژوهش سه عنصر قدسی سنگ، درخت و چشمه علاوه بر ریشه شناسی اساطیری به عنوان پایه بخش وسیعی از انواع قداست بررسی و نمودهای آنها در سفرنامه ارائه خواهد شد. یافته های این پژوهش علاوه بر ارائه تصویری روشن از این عناصر در سفرنامه، یادآور قرابت رفتارهای دینی و تا حدودی عامیانه در میان سرزمین های اسلامی در روزگاران گذشته خواهد بود که با قلم حکیم ناصر خسرو به تصویر کشیده شده است.

واژه های کلیدی: ناصر خسرو قبادیانی، سفرنامه، فرهنگ، عناصر قدسی، باورهای دینی و اساطیری

مقدمه

اشتراکات فرهنگی، دینی و آیینی از جمله عوامل اصلی نزدیکی سرزمین ها و بالطبع ملتهاست. بررسی آثار ادبی به ویژه سفرنامه ها بدون شك میتوانند یکی از مهمترین و ماندگارترین اسناد برای نشان دادن این قرابت فرهنگی آیینی و ادبی میان ملتها باشند و از آن میان سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی به عنوان بخشی از حافظه کهن سرزمینهای دور و نزدیک اسلامی در روزگاران گذشته عاملی مهم در بازشناسایی اندیشه های مشترك مسلمانان خواهد بود. برای آگاهی از آداب، رسوم و سنت های اقوام مختلف در روزگاران بسیار دور باید از مسیر اسطوره های آنان گذشت. کوره راههایی باریک و پر پیچ و خم که تنها چراغ راه در گذر از آنها آشنایی با اسطوره هایی است که بخش عظیمی از باورهای ایشان را شکل میدهد. چراکه "اسطوره ها در باور بشر ابتدایی اموری قدسی هستند... و اساساً به آفرینش کیهان و خاصه به بنیاد مراسم رازآموزی و تشرف به اسرار مربوط می شوند". (الیاده ۱۳۸۶ ش:ص ۱۹) در حقیقت از آنجا که ایناور وجود دارد که فعالیت های انسان امروزی دنباله و تکرار رفتاری اساطیری است عملی که روزگاری به واسطه ایزدی برای نخستین بار شکل گرفته یا به بشر آموخته شده و رفتار اکنون وی بازتابی است از آن اتفاق نخستین، بنابراین شاید بتوان گفت در واقع "مهمترین کارکرد اسطوره عبارت است از کشف و آفتابی کردن سرمشق های نمونه وار همه آیین ها و فعالیت های معنی دار آدمی، از تغذیه و زناشویی گرفته تا کار و تربیت هنر و فرزاندگی" (همان، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۷) چراکه اسطوره ها می توانند لایه های گوناگون فرهنگی و اجتماعی جوامع را شکل داده "مشخص کننده ساختار حیات اجتماعی يك قوم و ملت باشند". (اسماعیل پور، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۸) از آنجا که در دنیای اسطوره، گاه این باورهای شگفت انگیز پهلوی به دین می زنند و حتی حیاتی به درازای تاریخ می یابند و ممکن است در دوره های مختلف رد پای از خود در زندگی دینی و اجتماعی انسان ها با

دیدگاه‌های مذهبی متفاوت به جای گذاشته باشند لذا نگاه دوباره از این منظر به سفرنامه ناصرخسرو به عنوان یادگاری از قرون گذشته ایران از منظر اسطوره‌شناختی و دین‌خالی از فایده نخواهد بود چراکه ما را با عقاید کهن جوامعی آشنا خواهد ساخت که در فاصله زمانی و مکانی بسیار دوری از ما زیسته‌اند و بدون شك آگاهی یافتن از کهن باورهای ایشان به عنوان رفتارهایی ریشه‌دار، عقاید دینی آنها را بیش از پیش بر ما آشکار خواهد ساخت. بدین منظور نمودهای تقدس مکانی و رفتاری که به شیوه‌های مختلف در سفرنامه ارائه شده است بررسی و نشان داده شده است.

بیان مساله

سفرنامه ناصرخسرو به عنوان یکی از منابع قابل بررسی در حوزه جامعه‌شناسی ادب فارسی و نیز ساختار فرهنگی، دینی و تاریخی (قرن پنجم)، از ارزش بالایی برخوردار است چراکه با وجود فاصله زمانی بسیار با ما حقایقی از آداب، رسوم سنت‌ها و مناسبات اجتماعی فرهنگی ساکنان سرزمین‌هایی را در خود دارد که در این روزگار تنها نامی و یادی از آنها و رسوم، باورها و اعتقادات ایشان باقی است. به بیان دیگر اعتقاد به عناصر قدسی موجب شکل‌گیری باورها و آیین‌های دینی اقوام در طی زمان بوده که با توجه به میزان ارتباط میان ملت‌ها، اشتراکات اعتقادی را نیز به دنبال داشته است. این عنصرهای مقدس می‌توانسته در محیط پیرامون انسانها با گذشت زمان شکل گرفته باشد یا آدمی، خود، چهره‌ای مقدس بدانها بخشیده باشد و خواستار رخ دادن رفتاری مقدس از آنها باشد. در آثاری که از هر قوم به یادگار می‌ماند نشانه‌های این انتقال باورها به نسل‌های آینده آشکار است که با اندکی تامل می‌توان آنها را دریافت و به میزان باورمندی هر قوم پی برد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

سفرنامه ناصرخسرو نیز به عنوان متنی کهن که نویسنده در آن علاوه بر به تصویر

کشاندن ویژگی های مکانی و زمانی سرزمین های پیش رو می کوشد تفکرات دینی به ویژه عناصر قدسی سرزمین های طول مسیر و باورهای اساطیری را به تصویر بکشد از این نظر دارای اهمیت است لذا برای آگاهی از میزان باورمندی مردم روزگار نویسنده به این دسته از عناصر مقدس این اثر ارزشمند را باز کاوی خواهیم نمود.

اگرچه پژوهشهای بسیاری در حوزه سفرنامه ناصر خسرو صورت گرفته اما تحقیقی که به طور ویژه به موضوع مورد بحث ما یعنی بازتاب عناصر قدسی در این اثر باشد مشاهده نشد. لذا برآن شده ایم برای آشنایی هرچه بیشتر با سفرنامه این کتاب را از این منظر بنگریم.

مکان های قدسی: در رمزدازی مکانی، فضاهای قدسی جایگاه اتصال آسمان و زمینند و از طریق تجلی الوهیت، مقدس و متبرک می شوند. (الیاده، ۱۳۸۵: ص ۳۵۲) روی آوردن آدمی به این مکانها و نیایش در آنجا نوعی ایجاد ارتباط با نیروی برتر و توانمندتر است. علاوه بر این نکته این باور نیز وجود دارد که تمام معابد و مکانهای قدسی در زمین نمود و نمونه ای آسمانی دارند که طرح و نقشه زمینی آنها نزد خدایان است. به عقیده بنی اسرائیل، نمونه های پرستشگاه و ابزارهای مقدس و خود معبد را که یهوه آفریده بود بر شخص برگزیده خود آشکار کرد تا در روی زمین باز ساخته شود. (همو، ۱۳۷۵: ص ۴۵) اعتقاد به مرکزیت فضاهای قدسی نیز در ادیان مختلف از جمله اسلام وجود دارد. بنابر روایات اسلامی مرتفع ترین نقطه زمین، کعبه است زیرا ستاره قطبی گواهی می دهد که کعبه رویروی مرکز آسمان واقع است. (همو، ۱۳۷۵: ص ۳۵۲) این مکانهای مقدس و حرم های مطهر، المثنی های کوه کیهانی نیز محسوب می شوند (همان، ص ۳۳) در واقع از آنجا که "مکان اساطیری... بنیادی ازلی دارد. معابد مینوی اند و تقدس دارند..." به بیان دیگر چون (انسان نخستین و باورمند اسطوره در زمان سرآغاز و ازلی سیر می کرد آسمان را از زمین جدا نمی پنداشت و همه مظاهر طبیعت

رایگانه می شمرد. "(اسماعیل پور، ۱۳۷۷ش: ص ۲۴) برخی علت تقدس مکانی را ساخت این گونه اماکن بر پایه مکاشفه آنچه که در زمان اساطیری آشکار و پدیدار شده می دانند. از دیدگاه ایشان محراب یا حرم مقدس به منزله تکرار الگوی مثالی "مرکز جهان" است که در آن ناسوت با لاهوت پیوند می یابد. (باستید، ص ۵۶) به بیان دیگر هر پدیده ای در گیتی چه مجرد باشد و چه مجسم ... نمونه ای مینوی، مثالی افلاطونی وار دارد که برین و ناپیداست. (الیاده، ۱۳۸۴ش: ص ۲۰)

اسطوره به ما می گوید بشر ابتدایی پس از دریافت انرژی خاص از يك شی که می توانسته سنگ، کوه یا حیوانی درنده و عظیم الجثه باشد تلاش کرده پیرامون آن فضایی قدسی بیافریند و به اعمالی دست بزند که در ذهن ابتدایی اش دور کننده تمامی نیروهای ناپیدای وحشت آور و به یاری طلبیدن همه قدرتهای ماورایی باشد. خرسنگهایی مثل سایوهیمه که در اساطیر کهن ژاپن مورد تقدیس واقع می شده اند از این دسته اند. (پیگوت، ۱۳۷۳ش: ص ۲۳) در کتب مقدس ارتباط دلنشینی بین آسمان، وحی، زمین و فردی است که به عنوان پیام رسان عوالم بالا به انسانها شناسانده می شود. در کتاب های حماسی نیز اغلب پادشاهان یا در کوه به پادشاهی می رسند شخص یا اشخاصی برای به شاهی رساندن ایشان به کوه که محل عبادت و زیستگاه ایشان است رفته با خود همراهشان می سازند و به میان مردم می آورند کیکباد در البرز کوه است که با آمدن رستم برای در دست گرفتن پادشاهی از مکان ویژه خود به زیر می آید. (فردوسی، ۱۳۸۲ش: ج ۲، ص ۵۸) یا در دل کوه برای خود مکان های آسمانی، ماورایی می سازند که در اغلب اوقات به نظر می رسد ساخته و پرداخته ذهن آدمی باشند و یادآور قصه های پریان .. در نبرد کاووس با شاه هاماوران کاووس پس از بازگشت پیروزمندانه به پارس دستور ساخت خانه هایی شگفت انگیز بر فراز البرز کوه می دهد. (همو، ۱۳۸۲ش: ج ۲، ص ۱۵۰) گویی بشر به طور ناخودآگاه به سمت تقدس

بخشی به همه چیز پیش می رود و این نکته ای است که در دل اسطوره های ملل مانده و به ما نیز منتقل شده است. در برخی مواقع نیز جسم فردی تقدیس شده در مکانی موجب اقبال بدان جایگاه که آرامگاه اوست می شود آن هم بدان دلیل که بشر این همجواری را موجب برکت بخشی در زندگی خود می داند رفتار و باوری که در ادیان مختلف به چشم می خورد. شکل گیری بازارها در ایران از گذشته های دور در جوار قدیسان و امامزادگان از این دست است. در مواردی نیز دلیل قداست يك مکان رخدادی دینی با محوریت قدیسی است به عبارتی در جایگاه یا مکانی با فاصله زمانی بسیار زیاد ممکن است رفتاری فوق بشری از فردی مقدس که قابلیت درك قدرت های ماورایی را داشته است بروز نموده یا ارتباطی معنوی بین او و عوامل آسمانی و معنوی شکل گرفته باشد که موجب آسمانی و فوق زمینی شدن يك محدوده مکانی در باور پیروان يك آیین شده باشد. درب های حرم ها از جمله این مکان ها هستند که به دلیل آنکه نقطه آغاز به سوی تقدس هستند از ارج و اهمیت والایی برخوردارند. اهمیت مذهبی بالای آستانه و درب، به سبب آن است که نماد و در عین حال وسیله گذر از يك فضا به فضایی دیگر هستند. (الیاده، ۱۳۷۵ ش: ص ۲۴)

در اندیشه های اساطیری، درب حصار مقدس که می تواند حریم يك مسجد، کلیسا، آتشگاه یا ... باشد ارتباط با خدایان را ممکن می سازد از این رو درب، باید به جهان بالا باشد که از آن خدایان بتوانند به زمین نزول کنند و انسان به طور نمادین بتواند به آسمان صعود کند در واقع هر مکان مقدس بر قدوسیت و فیضان مقدسی که موجب جدایی مرزی از قلمرو کیهانی اطراف می شود و آن را از نظر کمیت متفاوت می سازد، دلالت دارد. (همو، همان) وجود برخی درب های مقدس در سفرنامه نیز با در نظر گرفتن محوریت دین اسلام، نحوه برخورد و باور پیروان آن با این گونه مکان ها و تاثیرگذاری اندیشه دینی و مذهب آسمانی اسلام بر نوع تقدس آن از این ویژگی برخوردارند.

از آن جمله اند باب الرحمه و باب التوبه در بیت المقدس که " :گویند این درگاه را

سلیمان بن داود (ع) ساخته است از بهر پدرش و چون به درگاه در روند روی سوی مشرق از آن دو در آنچه بر دست راست است باب الرحمة گویند و دیگر را باب التوبه و گویند این در است که ایزد سبحانه و تعالی توبه داود (ع) را آنجا پذیرفت و بر این درگاه مسجدی است نغز، وقتی چنان بوده که دهلیزی و دهلیز را مسجد ساخته اند و آن را به انواع فرش ها پیاراسته و خدام آن جداگانه باشد مردم بسیار آنجا روند و نماز کنند و تقرب جویند به خدای تبارک و تعالی بدان که آنجا توبه داود (ع) قبول افتاده". (ناصر خسرو، ۱۳۸۳ش: ۴۱)

باب الحطه و باب السکینه را نیز شاید بتوان در زمره چنین مکان های مقدسی آورد چرا که بر اساس باورهای مکتوب مردم در سفرنامه باب الحطه همان دری است که "خدای عزوجل بنی اسرائیل را بدین در فرمود در رفتن به مسجد . قوله تعالی "ادخلوا الباب سجدا و قولوا حطة یغفر لکم خطایا کم و سنزید المحسنین". (ناصر خسرو، ۱۳۸۳ش: ص ۴۸) و در دهلیز باب السکینه نیز مسجدی است با محراب های بسیار و در اولش بسته است که کسی در نتواند شد . گویند تابوت سکینه که ایزد تبارک و تعالی، در قرآن یاد کرده است آنجا نهاده است که فرشتگان برگرفتندی" (ناصر خسرو، ۱۳۸۳ش: ص ۴۸) قدمگاهها نیز از جمله فضاهاى قدسیاند که نشانی از حضور کوتاه مدت قدیسی در خود دارند . (ر: ناصر خسرو، ۱۳۸۳ش، صص ۵۱، ۱۲۸) معمولا در کنار این فضاهاى متبرک درختانی هم کشت میشوند که به مرور زمان پذیرای هدایا، نذورات، قفل ها و نوارهای رنگارنگ گره زده به نشان توسل می شوند با این باور و آرزو که در صورت برآورده شده نیاز و برطرف شده مشکل گره خود به خود گشوده خواهد شد و یا اینکه در صورتی که نیازشان مرتفع گردد باز خواهند گشت و نوار و قفل را از شاخه درخت یا درب قدمگاه، امامزاده، مسجد یا معبد باز خواهند نمود. از میان انبوهی از درختان خود رو، انجیر و توت بیش از سایر درختان پذیرای این گونه دخیل بندی ها هستند چرا که بسیاری

از مردم معتقدند درختان به دلیل تقدس ویژه ای که نزد ایشان دارند مراد می دهند و در برآورده ساختن آرزوهای انسانها به طرز شگفت آوری موثرند به همین دلیل از احترام ویژه ای برخوردارند. (ر.ک: ایرانی بهیانی، ۱۳۹۰، ش: ص ۱۶۸)

وجود این تك درختان خودروی کشتزاران / گندمزاران یا سایر زمین های زراعی از دیرباز دارای جایگاهی قدسی بوده اند به طوری که گاهی خرید و فروش ثمرشان نکوهش شده است و تنها باید توسط رهگذران و در راه ماندگان مصرف شوند. از آنجا که در باورهای کهن درخت با خود راز جاودانگی و حیات ابدی و زندگی جاوید را دارد شاید یکی از دلایل رویش تك درختان مقدس در کنار مزارهای شریف نیز اشاره به جاودانگی روح و حیات ابدی و زندگی جاوید شخص مدفون داشته باشد. از منظری دیگر نیز می توان به این گونه درختان نظر کرد. این نوع از درختان نظر کرده در واقع درخت دانشند و ثمرشان خرد، بنابراین شاید بتوان گفت در باورهای دینی گره زدن بخشی از تعلقات که می تواند پارچه یا قفل باشد به اینگونه درختان نوعی دل آگاهی به دنبال خواهد داشت به نحوی که فرد راهی برای رفع مشکلش خواهد یافت. از منظری دیگر رویش درخت در کنار مزارهای متبرك با توجه به ساختار منحصر به فرد درخت که در پایان فصل سرما جامه نو می کند و برگ ها و شکوفه ها بر شاخه هایش می روید نشانی از حیات دوباره آدمی پس از مرگ دارد. در حقیقت این گونه مساجد که حریم شخص یا شیئی مقدس محسوب می گردند خود نماد "مرکز" می باشند نگاه تفکرات اساطیری به مساجد و معابدی از این دست نگاه "کوههای مقدس" است که مرکزیت دارند و نقطه اتصال آسمان و زمینند با همه راز و رمزشان در واقع تقدس بخشی بیشتر به برخی از عناصر طبیعی به واسطه ایجاد حریم گرداگرد آن بدان تقدس نمی بخشد بلکه مکانی که پیرامون شیء یا عنصر مذکور شکل می گیرد به واسطه آن قداست مییابد. در این صورت حریمهای بنا شده ("ناف گیتی، axis mundis) خواهند بود و نقطه تلاقی آسمان و زمین (پایه، ۱۳۸۴، ش: ص ۲۶)

چشم‌های مقدس: حضور تفکرات مذهبی از دیرباز میان ملل مختلف وجود داشته است. این حقیقت را اسطوره به ما می‌گوید از همان روزگارانی که آدمی محیط بیرامون خود را به تدریج شناخت پی بردن به اسرار اطراف نیز بخشی از اندیشه او را به خود معطوف داشت. تفاوت‌های ظاهری برخی از عناصر موجود در طبیعت مبین این واقعیت است که انسان همواره به دنبال کشف راز و رمز جهان هستی بوده است. چشم‌هایی نیز که با ویژگی‌هایی مثل حیات بخشی، جوان‌سازی و درمان بخشی شناخته شده‌اند بیانگر حقیقتجویی انسان در دوران مختلف می‌باشد. اعتقاد به چشم‌های خاص آنها را تا بدان مرز رسانده که برایشان الهه‌هایی نیز متصور شده‌اند. زیر ظرف لبریز از آب در دست گودآ، فرمانروای لاگاش، نوشته‌های دیده می‌شود که حاکی از تقدیم آن به گشتی نانا "الهه آب حیات" است. (ژرژ، ۱۳۸۶ ش: ص ۱۰)

همچنین باورهایی که در مورد چشمه‌های آبگرم وجود دارد بازمانده همان عقاید کهن است. در کتاب مقدس از فردی نابینا سخن به میان می‌آید که به دستور عیسی (ع) با غسل در حوض سیلو حابینایی خود را باز می‌یابد (کتاب مقدس، انجیل یوحنا، باب نهم، آیه ۷) در اساطیر ژاپن از چشمه‌های آب گرمی یاد می‌شود که قدرت درمان بخشی دارند قدرتی که موجب درمان جذامیان می‌گردد. (پیگوت، ۱۳۷۳ ش: ص ۱۷۲) شمار این گونه چشمه‌ها در بین اقوام مختلف متفاوت است. در فرانسه شمار چشمه‌های شفا بخش بسیار است همچنین چشمه‌هایی هست که بر عشق و عاشقی تأثیری نیکو دارد. در هند نیز ناخوشی و بیماری را در آب می‌افکنند حتی گاهی باورمندی در مورد چشمه‌ها بدان اندازه است که راه شست و شوی گناهان را غسل در چشمه‌های مقدس می‌دانند چرا که این خود راهی است برای تجدید حیات و نوزایی. (الیاده، ۱۳۸۵ ش: صص ۴، ۱۹۳) اعتقاد به چشمه‌های خاص تا آنجا بوده که برخی از اقوام از جمله ساردهای آغاز تاریخ علاوه بر پرستش آنها به نشانه نیایش به ایشان قربانی پیشکش می‌

کردند. (همو، ۱۳۸۵ ش: ص ۲۰۰)

در ایران باستان نیز متبرک شدن به کمک تقدس چشمه ها در فضای فکری مردم مناطق مختلف وجود داشته است از آن جمله می توان به چشمه چهل دختران که یکی از مکان های متبرک سیدان است اشاره نمود. این چشمه که در ارتفاع متری و بالاتر از قسمت های مسکونی شهر قرار گرفته است تبدیل به زیارتگاه شده است. آب این چشمه متبرک بوده و افراد محلی برای متبرک شدن به این مکان می روند. (ایرانی بهبهانی، ۱۹۹۰ ش: ص ۱۶۷) ناصر خسرو چشمه عین سلوان را دارای این ویژگی ها می داند در بخشی از اثر او می خوانیم: "و چون از شهر به سوی جنوب نیم فرسنگی بروند و به نشیبی فرو روند آب از سنگ بیرون می آید آن را عین سلوان گویند... گویند هر که بدان آب سرو تن بشوید رنج ها و بیماری های مزمن از او زایل شود" (ناصر خسرو، ۱۳۸۳ ش: ص ۳۷) در ترجمه آثار البیاد و اخبار العباد نیز از این چشمه با ویژگی های ذیل یاد شده است: "و به آنجاست چشمه سلوان که مردم بدان تبرک جویند ابن البشار گفته: که سلوان محله ای است در حصار بیت المقدس، در ته آن چشمه ای است بسیار عزیز که بساتین بسیاری را سیراب می کند... می گویند آب چشمه را اگر اندوهگین بخورد اندوهش زایل می گردد. (عبدالرحمن، ۱۳۷۱ ش: ص ۲۱۱)

تقدس یافتگی و تبرک چشمه ها را در نمونه هایی مثل چشمه آب حیات هم می توان جستجو کرد در باورهای اساطیری این دسته از چشمه ها به دلیل خاصیت مرکزیت جهانی که دارند تقدس می یابند. (اسماعیل پور، ۱۳۸۲ ش: ص ۲۸) گاهی نیز این باور به چشم می خورد که نامگذاری يك مكان توسط يك قدیس موجب تقدس آن شده یا انتساب آن به شخص مورد نظر، چشمه عین البقر نیز از این امر مستثنی نیست زیرا "می گویند که آن چشمه را آدم (ع) پیدا کرده است و گاو خود را از آنجا آب داده و از آن سبب آن چشمه را عین البقر می گویند". (ناصر خسرو، ۱۳۸۳ ش: صص ۲۵، ۲۶) این گونه

تقدس تنها خاص چشمه‌ها نیست گاه مکان‌هایی نیز وجود دارد که دارای ویژگی‌هایی منحصر به فردند و باز بر اثر مجاورت با شخص قدیس به این ویژگی نائل شده‌اند از جمله مکان‌های عبادی که می‌تواند عبادتگاه کلیسا یا مسجد باشد در سفرنامه از مکان‌هایی نام برده شده. "حیات مسجد محل دفن صالح (ع) که بخشی از آن سنگفرش است و بخشی دیگر سبزه و چون معتقدند که روزگاری آدم (ع) در آن مکان زراعت می‌کرده است" (ناصر خسرو: ۱۳۸۳ ش: ص ۲۵) در قرآن کریم نیز از وجود چشمه‌هایی خاص در بهشت یاد می‌شود به طور مثال در سوره ی مبارکه ی انسان آیه شریفه ۱۸ چنین می‌خوانیم: ("عینا فیها تسمى سلسبیل") در آنجا چشمه‌ای است که سلسبیلش می‌نامند).

سنگ‌ها: اسطوره به ما می‌گوید سنگ‌ها هم جایگاه ویژه‌ای در اندیشه اساطیری ملل داشته و دارند به طوری که برخی از این سنگ‌های عبادی و علامات همواره مبین واقعیتی متعال هستند. آنها همواره بر چیزی برتر از انسان دلالت می‌کرده‌اند از تجلی قداست ساده و مقدماتی در بعضی از سنگ‌ها و صخره‌ها که ذهن آدمی را به دلیل استحکام و دوام و شکوه و عظمتشان به شگفت می‌آوردند تا رمزپردازی شهاب سنگ‌ها (الیاده، ۱۳۷۲ ش: ص ۲۹۹) گاهی نیز در شعور مذهبی انسان ابتدایی درشتناکی سنگ‌ها موجب قداست آنها می‌شده است. (همان، ۱۳۷۲ ش: ص ۲۱۵) چنین عناصری در ادب فارسی هم جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند و می‌توانند تجلی باور دینی مردم يك قوم باشند. گاهی نیز در تصور دینی يك قبیله سنگ‌های عبادی بر اثر مجاورت با فردی قدیس صاحب مرتبه قداست می‌شوند. در سفرنامه با صخره‌هایی رو به روییم که با نقش پای يك پیامبر یا پیامبرزاده تقدس یافته‌اند، از آن میان صخره‌ای است با نقش پای اسحاق نبی (ناصر خسرو ۱۳۸۳ ش: ص ۵۱) یا سنگ سیاهی که پذیرای نقش پای پیامبر اسلام (ص) است... (همو، همان ۱۳۸۳ ش: ص ۱۲۸) مجاورت با برپایی امری دینی هم می‌تواند قداست بخش سنگ‌های عبادی باشد مثل صخره بزرگی که بلال بر فراز آن بانگ

اذان سر داده است (همان ۱۳۸۳ ش: ص ۱۳۸) یا نقش چاله های آب بر صخره ای که پیامبر خدا (ص) با دست خود در آن ها آرد سرشته است و مردم نیز به نشان آن باور دینی در این چاله ها خمیر مهیا می سازند (همو، همان ۱۳۸۳ ش: صص ۸-۱۳۷) همچنین است میلی از سنگ برآمده بر فراز کوه ابوقیس که نویسنده از باور مردم درباره آن سخن می گوید که می گویند ابراهیم (ع) آنرا برآورده است (همو، همان ۱۳۸۳ ش: ص ۱۱۹)

نظر کردگی: یکی دیگر از عوامل قداست یابی است که در سفرنامه از این ویژگی هم سخن به میان آمده است نویسنده از چوب هایی سخن می گوید که روزگاری این سعادت نظر کردگی یافته اند یا بزرگی آنها را لمس کرده یا برای امری به کار گرفته است. سنگ های مقدس مرکز عالم محسوب می شده اند مثل سنگی که یعقوب بر آن می خوابد یا کعبه یا طور سینا و همه معابد و کاخ ها و مراکزی که از لحاظ آیین، متبرک و مقدس اند (الیاده، ۱۳۷۲ ش: ص ۲۲۷) و گاهی نیز در حقیقت تجلی گاه خداوند محسوب می شوند، بنابراین پل ارتباطی آسمان و زمین خواهند بود پس صخره های مقدس نسبت به سایر مکان ها از این ویژگی برخوردارند. توجه به این نکته حایز اهمیت خواهد بود که تقدس مکانی بر اساس آیین های گوناگون متفاوت است، بنابراین تقدس و تبرک یافتن مکان های مختلف از این امر ناشی می شود (همان ۱۳۷۲ ش: ص ۲۲۷) به طور مثال کوه جودی که کشتی نوح بر فراز آن آرام می گیرد و درامواج طوفان غرق نمی شود می تواند به نوعی متبرک و مقدس باشد (همان ۱۳۷۲ ش: ص ۲۲۹) بنابراین همه باورهایی که در سفرنامه در قالب صخره های خاص آمده است می تواند بازمانده اندیشه دینی کهن مردم باشد که در دین مقدس اسلام تطهیر شده است. اعتقاد به تقدس مکانی از گذشته های دور موجب روی آوردن مردم به ساخت حریم و حصار برای نشان های دینی شده است ساخت مسجد پیرامون صخره از آن جمله است ناصر خسرو در باره این موضوع می نویسد: "و از برای سنگ صخره که آنجا بوده است مسجد هم آنجا بنا نهاده

اند و این سنگ صخره آن است که خدای عز و جل - موسی (ع) را فرمود تا آن را قبله سازد و چون این حکم بیامد و موسی آن را قبله کرد بسی نریست و هم در آن زودی وفات کرد تا به روزگار سلیمان (ع) که چون قبله صخره بود مسجد در گرد صخره بساختند چنانکه صخره در میان مسجد بود و محراب خلق (ناصر خسرو، ۱۳۸۳ ش: صص ۳۷-۸)

اساطیر ژاپن ما را با صخره هایی آشنا می سازد که در اساس آدمی بوده اند، اما صورت سنگی یافته اند (پیگوت، ۱۳۷۳ ش: ص ۲۳) نظیر چنین صخره هایی با صورت های دیگر از جمله کرسی و تخت در سفرنامه هم مشاهده می شود، کرسی سلیمان که ناصر خسرو از باور مردم نسبت به آن سخن می گوید از آن جمله است که تخته سنگی بزرگ است که می توان زیلویی بر آن گسترد (ناصر خسرو، ۱۳۸۳ ش: ص ۵۶) برخی از اشیای دیگر نیز که شگفتی هایی با خود دارند در اندیشه اساطیری ملت ها به چشم می خورد زنجیرها، چوب ها، نشان ها و ... از آن جمله اند حتی در برخی از اساطیر چینی می توان پادشاهانی را یافت که از نسل فرمانروایان سنگ زادند در این گونه اساطیر بر اثر اتفاقاتی مادر به هیئت صخره درمی آید و پس از شکافته شدن صخره، کودک پا به جهان می نهد (آنتونی کریستی، ۱۳۷۳ ش: ص ۱۳۸)

درختان مقدس: بخش لاینفک تمدن های کهن بشری بوده و در اندیشه مردم آن روزگار باغهایی مقدس وجود داشته است. (جلالی مقدم، ۱۳۸۵ ش: ص ۱۸) معمولاً در کنار این فضاهاى متبرک درختانی هم کشت می شوند که به مرور زمان پذیرای هدایا، نذورات، قفل ها و نوارهای رنگارنگ گره زده به نشان توسل می شوند با این باور و آرزو که در صورت برآورده شده نیاز و برطرف شده مشکل گره خود به خود گشوده خواهد شد و یا اینکه در صورتی که نیازشان مرتفع گردد باز خواهند گشت و نوار و قفل را از شاخه درخت یا درب قدمگاه، امامزاده، مسجد یا معبد باز خواهند نمود. از میان انبوهی از درختان خودرو،

انجیر و توت بیش از سایر درختان پذیرای این گونه دخیل بندی ها هستند چرا که بسیاری از مردم معتقدند درختان به دلیل تقدس ویژه ای که نزد ایشان دارند مراد می دهند و در برآورده ساختن آرزوهای انسانها به طرز شگفت آوری موثرند به همین دلیل از احترام ویژه ای برخوردارند. (ایرانی بهبهانی، ۱۳۹۰: ص ۱۶۸)

در اساطیر سلتی هم پیشه ها ... به دلیل تقدس درختان منفرد ... اهمیت داشتند (گرین، ۱۳۸۷: ص ۸۸) وجود این تک درختان خودروی کشتزاران، گندمزاران یا سایر زمین های زراعی از دیرباز دارای جایگاهی قدسی بوده اند به طوری که گاهی خرید و فروش ثمرشان نکوهش شده است و تنها باید توسط رهگذران و در راه ماندگان مصرف شوند. این تقدس تا آنجاست که در اساطیر برخی ملل نردبان صعود به سوی آسمان هستند (بیرل، ۱۳۸۴: ص ۷۵) در مکانهای قدسی درختان نقطه کانونی پرستش به شمار می آیند و از آنجا که در باورهای کهن درخت با خود راز جاودانگی و حیات ابدی و زندگی جاوید را دارد شاید یکی از دلایل رویش تک درختان مقدس در کنار مزارهای شریف نیز اشاره به جاودانگی روح و حیات ابدی و زندگی جاوید شخص مدفون داشته باشد. از منظری دیگر نیز می توان به این گونه درختان نظر کرد. این نوع از درختان نظر کرده در واقع درخت دانشند و ثمرشان خرد، بنابر این شاید بتوان گفت در باورهای دینی گره زدن بخشی از تعلقات که می تواند پارچه یا قفل باشد به اینگونه درختان نوعی دل آگاهی به دنبال خواهد داشت به نحوی که فرد راهی برای رفع مشکلش خواهد یافت. از منظری دیگر رویش درخت در کنار مزارهای متبرک با توجه به ساختار منحصر به فرد درخت که در پایان فصل سرما جامه نو می کند و برگ ها و شکوفه ها بر شاخه هایش می روید نشانی از حیات دوباره آدمی پس از مرگ دارد. در اسطوره های ایرلندی درخت مقدسی وجود داشت که بایل نامیده می شد و هر چه کهنسال تر بود مقدس تر به شمار می آمد در باور این قوم همه درختان مقدس بودند ... و منشا خرد مقدس

دانسته می شدند. (گرین، ۱۳۸۷ ش: ص ۵۹)

در اسطوره های ایرانی هم درختان مقدس صورتی ویژه به خود می گیرند و درخت همه تخمه از آن نوع است. (وستا سرخوش، ۱۳۸۶ ش: ص ۲۳) به نظر می رسد نمایندگی درختان باور مشترك بشر در دوره های مختلف حیات باشد چراکه اسطوره های سلتی هم به ما می گویند که درختان در دوران کهن این قوم درختان نماد های مهم ولادت دوباره بودند، درختان ریزبرگ ظاهرا در زمستان ها می مردند و ... در فصل بهار بار دیگر متولد می شدند و برگ و میوه تازه می دادند. (گرین، ۱۳۸۷ ش: ص ۱۰۵) در سفر نامه از اینگونه درختان که در حریم های مقدس می رویند سخن به میان آمده است: "بر در مسجدالحرام که سوی مغرب است که آن را باب ابراهیم خوانند بر سر چاهی درختی چند بلند است و بزرگ شده" (۱۱۹) گاهی به درختان مثمر مانند انجیر و توت و جوز نیز اشاره می شود. "به مسجد بیت المقدس درخت جوز دیدم" (۵۶) در توصیف بیت المقدس و باغهای پیرامون آن می نویسد: "سواق و رستاق بیت المقدس ... همه کشاورزی و درخت زیتون و انجیر و غیره تمامت بی آب است و نعمتها فراوان و ارزان باشد" (۳۵)

نتیجه

در نگاهی اجمالی به سفرنامه حکیم ناصر خسرو به عنوان یکی از متون ارزشمند تاریخی - علاوه بر دستیابی به اطلاعات جغرافیایی ذی قیمتی از قرن پنجم می توان با بخشی از باورهای دینی، اساطیری و نیز تفکرات عامیانه موجود در آن روزگار که با قلم حکیم ناصر خسرو به تصویر کشیده شده است آشنا شد. در بررسی این اثر از منظر درون مایه های دینی و اساطیری نکات ذیل قابل توجه است:

- تقدس در معنی برکت بخشی و پاک و منزّه بودن به عنوان یکی از باورهای جدایی ناپذیر زندگی دینی مردم است.
- برخی از اشیا و عناصر طبیعی در هاله ای از این قداست قرار گرفته اند و در باور مردم ریشه دوانده اند. آنگونه که حل بسیاری از مشکلات خود را منوط به انجام برخی باورها

که به نوعی خود مقدسند برای فیض گیری از این عنصرهای مقدس پیرامون می دانند.

- شایع ترین مقدس در سفرنامه که ریشه در اسطوره های کهن دارند عبارتند از سنگها / صخره ها، درختان / تك درختان و چشمه ها که به ترتیب با اسطوره های موازی سایر ملل به نوعی هم ریشه اند . سنگها یا صخره های مقدس منشا شکل گیری کوههای مقدسند که در اساطیر و باورهای کهن الگویی ملتها جایگاه ایزدانند که سرچشمه انجام همه امور قدسی اند و بسیاری از اتفاقات در زندگی بشر به واسطه تاثیر مستقیم یا غیرمستقیم سنگها یا کوههای مقدس در حیات او ست . این تبرك بخشی به عنصری چون سنگ در مواقعی بواسطه رفتاری که از يك قدیس در اثر همجواری با آن صورت گرفته به وجود آمده؛ لذا به عنوان سنگهای نشاندار معروف شده اند.

- درختان مقدس نیز از جمله عناصری هستند که چون در باور اساطیری مرتبط با درخت بزرگ و مقدس کیهانی اند و چون در آئینهای دینی مقدس یادآور حقیقتی نخستینی اند لذا مورد توجه و تقدیس پیروان ادیان مختلف قرار می گیرند و این اهمیت تا آنجاست که درختان روئیده در کنار آرامگاه يك قدیس می توانند منشا برکت و برآورده شدن نیاز پیروان باشند لذا در سفرنامه به نمونه هایی از این درختان اشاره شده است.

- چشمه ها هم در سفرنامه با همه گستردگی نوعی، مانند چشمه های آب حیات / زندگی بخش، جوان ساز، سلامت بخش و ... در باور اقوام مختلف از جایگاه ویژه آیینی و اساطیری برخوردارند و در گستره اعتقادی مردم جاری اند . آن گونه که در سفرنامه مشاهده می شود چشمه ها همواره از دل کوهها به عنوان منشا تقدس و حضور ایزدان جاری اند و از این چشمه ها درخت های مقدس سیراب می شوند لذا هر سه عنصر به طرزی شگفت آور و حیرت انگیز با یکدیگر در ارتباطند و باور تقدس عنصری / عناصر قدسی را در سفرنامه شکل می دهند و ناصر خسرو خود آگاه یا ناخود آگاه با اشاره به شواهد موجود در مناطق مسیر کاروان با زبانی سلیس و قلمی روان این کهن الگوها را بر ما آشکار می سازد.

یادداشت ها و کتابشناسی منابع:

- ۱- اسماعیلپور، ابوالقاسم (۱۳۷۷)، اسطوره، بیان نمادین، چاپ اول، تهران، سروش
- ۲- همو، (۱۳۸۲)، زیر آسمانه های نور، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مردمشناسی و افکار
- ۳- الیاده، میرچا (۱۳۸۴)، اسطوره بازگشت جاودانه، ترجمه بهمن سرکاراتی، چاپ اول، تبریز، نیما
- ۴- همو، (۱۳۸۲)، اسطوره، رویا، راز، ترجمه رویا منجم، چاپ سوم، تهران، نشر علم
- ۵- همو، (۱۳۸۵)، رساله در تاریخ ادیان ترجمه جلال ستاری، چاپ سوم، تهران، سروش
- ۶- همو، (۱۳۷۵)، مقدس و نامقدس، ترجمه نصرالله زنگویی، چاپ اول، تهران، سروش
- ۷- همو، (۱۳۸۶)، چشم اندازهای اسطوره، ترجمه جلال ستاری، چاپ دوم، تهران، توس
- ۸- ایرانی بهبهانی (۱۳۹۰) "بررسی شاخصه های مناظر مقدس" مجله محیط شناسی، سال سی و هفتم، شماره ۵۹، ص ۱۷۰-۱۶۱
- ۹- بیرل، آن (۱۳۸۴)، اسطوره های چینی، ترجمه عباس منخبر، چاپ اول، تهران، نشر مرکز
- ۱۰- پیگوت، ژولیت (۱۳۷۳)، اساطیر ژاپن، ترجمه باجلان فرّخی، چاپ اول، تهران، اساطیر
- ۱۱- ژرژ، ژان (۱۳۸۶)، تاریخچه مصور الفبا و خط، ترجمه اکبر تبریزی، چاپ دوم،

۱۲۰. بهناز پیامنی، عبدالکریم جرادات / نگاهی نو به سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی

تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

۱۲- عبدالرحمن، محمد مراد (۱۳۷۱)، ترجمه آثار البلاد و اخبار العباد، جلد ۲، تصحیح

سید محمد شاهمرادی، چاپ، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

۱۳- کریستی، آنتونی (۱۳۷۳)، اساطیر چین، ترجمه باجلان فرخی، تهران، اساطیر

۱۴- گرین، جین (۱۳۸۷)، اسطوره های سلتی، ترجمه عباس مخبر، چاپ سوم، تهران،

نشر مرکز

۱۵- ناصر خسرو قبادیانی مروزی (۱۳۸۳)، سفرنامه، به کوشش محمد دبیر سیاقی،

چاپ هشتم، تهران، زوار

۱۶- وستا سرخوش، کرتیس (۱۳۸۶)، اسطوره های ایرانی، ترجمه عباس مخبر،

چاپ ششم، تهران، مرکز
